

فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره دوم، شماره ۴، پاییز ۱۳۸۹، صص ۱۵۳-۱۳۷

درآمدی به روش‌شناسی تلفیقی در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای علوم اجتماعی

محمدحسین حسینی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۱۸

چکیده

روش‌شناسی علوم اجتماعی چالش‌های بنیادینی را پشت سر نهاده است؛ ابتدا پارادایم اثبات‌گرایی و رویکردهای کمی در شناخت پدیده‌های اجتماعی را تجربه نموده و پس از مدتی این رویکرد را برای بررسی تمام ابعاد یک پدیده اجتماعی، مناسب ندانسته است. بنابراین، با الهام از تفسیرگرایی به روش‌های کیفی روی آورده و توجه خود را از لایه‌های بیرونی واقعیت اجتماعی به لایه‌های درونی‌تر معطوف نموده است. همزمان با تقویت رویکردهای کیفی در روش‌شناسی، شکافی نسبتاً عمیق میان دیدگاه‌های روش‌شناسان کمی و کیفی پدید آمده است. این تفاوت در دیدگاه‌ها، ابتدا به شکل تقابل و سپس به شکل تعامل بروز نموده و منجر به پدید آمدن موج سوم روش‌شناختی شده است. این موج، تلفیق‌گرایی روش‌شناختی و مبتنی بر پارادایم عمل‌گرایی است. روش‌شناسان تلفیق‌گرا بر آنند تا بدون تأکید بر روشی خاص و با ترکیب روش‌های کمی و کیفی، به شناخت عمیق‌تری از پدیده‌ها دست یابند. با اینکه روش‌شناسی علوم اجتماعی تا تلفیق روش‌ها پیش رفته است، اما بررسی پژوهش‌های درون‌رشته‌ای و میان‌رشته‌ای علوم اجتماعی در ایران، بیانگر غلبه رویکردهای کمی و بروز مسئله پس‌افتادگی روش‌شناختی است. این مقاله با روش اسنادی، مبانی نظری روش‌شناسی تلفیقی را به عنوان راه‌حل کارآمدی برای رفع این پس‌افتادگی مطرح می‌نماید.

واژگان کلیدی: روش‌شناسی تلفیقی، اثبات‌گرایی، روش کمی، تفسیرگرایی، روش

کیفی، عمل‌گرایی، روش تلفیقی، سه‌گانه‌سازی

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی، mh_hasani@yahoo.com

مقدمه

نظریه‌ها و روش‌ها، بنیان‌های اساسی علوم را تشکیل می‌دهند. اگر نگاهی به سیر تاریخی نظریه‌پردازی در علوم اجتماعی داشته باشیم، خواهیم دید که دیدگاه‌های واگرا در سطوح مختلف خرد و کلان و ذهنی و عینی، راه تلفیق را پیموده و به صورت روزافزونی یکپارچه شده‌اند. این جهت‌گیری تلفیقی را می‌توان به افزایش ارتباطات علمی در بین دانشمندان و تعامل میان دیدگاه‌های آنها نسبت داد؛ فناوری‌های نوین ارتباطی با تقویت ارتباطات درون‌رشته‌ای و برون‌رشته‌ای، زمینه ظهور رشته‌های جدید، شکل‌گیری حوزه‌های میان‌رشته‌ای و تعامل روش‌شناختی میان علوم مختلف و به‌ویژه علوم اجتماعی^۱ را فراهم نموده‌اند. (میر عابدینی، ۱۳۸۸) تاریخ علم نشان می‌دهد که تعامل دیدگاه‌های نظری نسبتاً متضاد، اصول و پیش‌فرض‌های پذیرفته‌شده در یک رشته علمی را به چالش پارادایمی می‌کشاند و در بلندمدت به بروز وضعیت بحرانی منجر می‌شود. این بحران، با پذیرش پارادایم جدید در بین اعضای اجتماع علمی و تثبیت انقلاب علمی فروکش می‌کند و دوباره وضعیت عادی برقرار می‌گردد. (چالمرز، ۱۳۷۹)

اگر «روش‌شناسی» را تفکر نظری در پیش‌فرض‌ها، اصول و پارادایم‌های اساسی روش‌های تحقیق و «روش تحقیق» را مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و رویه‌های جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها تعریف کنیم (گیون^۲، ۲۰۰۸)، خواهیم دید که علوم اجتماعی از آغاز تا به امروز، دو پارادایم روش‌شناختی را پشت‌سر نهاده است؛ پژوهشگران اجتماعی ابتدا به تقلید از علوم طبیعی به علت‌کاوی، عینیت‌گرایی و استفاده از روش‌های کمی روی آورده‌اند؛ سپس دریافته‌اند که روش‌های کمی برای بررسی تمام ابعاد یک پدیده اجتماعی مناسب نیست. از این‌رو، نارسایی‌های روش‌شناسی کمی در شناخت واقعیت‌های اجتماعی، منجر به شکل‌گیری موج دوم روش‌شناسی شده است. در این مرحله، پژوهشگران با به‌کارگیری روش‌های تحقیق کیفی، توجه خود را از لایه‌های بیرونی واقعیت اجتماعی به لایه‌های درونی‌تر معطوف نموده و بر معناکاوی و درک و تفسیر پدیده‌ها تأکید کرده‌اند. هم‌زمان با تقویت رویکردهای کیفی در روش‌شناسی، شکافی نسبتاً عمیق میان دیدگاه‌های روش‌شناسان کمی و کیفی پدید آمده است؛ برخی همچون لوین^۳، علوم اجتماعی و انسانی کمی را علوم واقعی پنداشته و روش‌های کمی را پیروز میدان دانسته‌اند و

۱. علوم اجتماعی به دو معنی به کار می‌رود؛ در معنی محدود، شامل جامعه‌شناسی و رشته‌های هم‌خانواده با آن (جمعیت‌شناسی، انسان‌شناسی و...) است. اما در معنی وسیع‌تر، رشته‌هایی را دربرمی‌گیرد که بارویکرد نظری-تجربی به مطالعه ابعاد مختلف پدیده‌های اجتماعی می‌پردازند. جامعه‌شناسی، مدیریت، آموزش، اقتصاد و... به این معنی علوم اجتماعی هستند. در این مقاله، معنی دوم مدنظر است.

2. Given

3. Levine



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۳۸

دوره دوم
شماره ۴
پاییز ۱۳۸۹



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۳۹

در آمدی به
روش شناسی تلفیقی...

برخی نیز همانند دنزین^۱ و لینکلن^۲ استدلال کرده‌اند که روش‌های کیفی به سرعت گسترش یافته و جایگزین روش‌های منسوخ کمی خواهند شد. (نیومن^۳، ۲۰۰۱: ۱۷-۱۵)

تقابل اولیه و تعامل بعدی میان دیدگاه‌های کمی و کیفی در روش‌شناسی، منجر به شکل‌گیری موج سوم روش‌شناسی در دوران معاصر شده است؛ این موج تحت عنوان روش‌شناسی تلفیقی^۴ مطرح می‌شود. پژوهشگران تلفیق‌گرا و به‌ویژه طرفداران مطالعات میان‌رشته‌ای علوم اجتماعی به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توان با ترکیب رویکردهای کمی و کیفی، به شناخت عمیق‌تری از پدیده‌های اجتماعی دست یافت. در این زمینه، لیتل (۱۹۹۱) و کرسول^۵ (۲۰۰۷) معتقدند که رویکرد کثرت‌گرایانه و تلفیقی، برای بسیاری از پژوهشگران جاذبه میان‌رشته‌ای دارد و بینش فراگیر و در عین حال دقیقی را برای پاسخ به پرسش‌های پژوهشی فراهم می‌سازد. اگر میان‌رشته‌گی را فصل مشترک پژوهشی، بین دست‌کم دو رشته علمی در نظر بگیریم (جاودانی و توفیقی، ۱۳۸۸) ناگزیر از پذیرش رویکرد تلفیقی در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای خواهیم بود، زیرا چنانچه هر یک از رشته‌های سهیم در مطالعه بر رویکردهای روش‌شناختی متفاوتی تأکید داشته باشند و بین رویکرد‌های روش‌شناختی آنها، نوعی همگرایی وجود نداشته باشد، پژوهش میان‌رشته‌ای در عمل امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین، ماهیت پژوهش در موضوعات میان‌رشته‌ای، کثرت‌گرایانه و تلفیقی است. این در حالیست که ارزیابی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای علوم اجتماعی در ایران، نشان‌دهنده غلبه رویکرد کمی در روش‌شناسی، ضعف در استفاده از روش‌های کیفی و فقدان پژوهش‌های تلفیقی است. (کچوئیان و کریمی ۱۳۸۵؛ لطف‌آبادی و همکاران ۱۳۸۶؛ ذکایی ۱۳۸۷؛ سیدامامی ۱۳۸۷) بر این اساس، به نظر می‌رسد روش‌شناسی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای علوم اجتماعی در ایران، دچار نوعی پس‌افتادگی در استفاده از رویکرد تلفیقی است. (قانع‌راد، ۱۳۸۵) پس‌افتادگی در تلفیق روش‌ها، یکی از مسائل اساسی در پژوهش‌های اجتماعی ایران و مسئله مورد بررسی در این مقاله است. بر این اساس، این سوال مطرح می‌شود که روش‌شناسی تلفیقی چه ماهیتی دارد و پژوهش با روش تلفیقی چگونه انجام می‌شود؟

این مقاله با استفاده از روش اسنادی، ضمن مقایسه رویکردهای کمی و کیفی به معرفی روش‌شناسی تلفیقی و کاربرد آن در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای علوم اجتماعی می‌پردازد تا از این

1. Denzin
2. Lincoln
3. Newman
4. Mixed Methodology
5. Creswell

رهگذر، گامی جهت رفع پس‌افتادگی روش‌شناختی در این نوع از پژوهش‌ها برداشته شود.

رویکردهای نظری در روش‌شناسی

علوم انسانی و اجتماعی تنوع روش‌شناختی قابل توجهی دارند. در حالی که انسان‌شناسان از مشاهده مشارکتی بهره می‌جویند، جامعه‌شناسان به پیمایش، ارتباطات‌شناسان به تحلیل محتوا، روان‌شناسان به آزمایش، زبان‌شناسان به تحلیل گفتمان و تاریخ‌شناسان به روش‌های تطبیقی گرایش بیشتری دارند. این روش‌های متنوع را می‌توان در سه دسته کمی، کیفی و تلفیقی دسته‌بندی نمود؛ روش‌های کمی با دیدگاه نظری اثبات‌گرایی^۱، روش‌های کیفی با دیدگاه نظری تفسیرگرایی و روش تلفیقی با دیدگاه نظری عمل‌گرایی همبسته‌اند. اگر سیر تاریخی تکامل رویکردهای روش‌شناختی در پژوهش‌های اجتماعی را مد نظر قرار دهیم خواهیم دید که ابتدا رویکردهای کمی، سپس رویکردهای کیفی و در نهایت رویکرد تلفیقی شکل گرفته و گسترش یافته‌اند. معرفی رویکردهای روش‌شناختی در این مقاله نیز از این سیر تاریخی تبعیت می‌کند.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۴۰

دوره دوم
شماره ۴
پاییز ۱۳۸۹

اثبات‌گرایی و روش‌های کمی

اثبات‌گرایی استدلال می‌کند که جهان مستقل از ادراکات افراد وجود دارد و واقعیت اجتماعی همچون واقعیت فیزیکی، پدیده‌ای عینی و نظم‌پذیر است و این نظم به شکل قوانین اجتماعی از طریق حواس، قابل درک و شناسایی است. علوم اجتماعی اثبات‌گرا، همچون علوم طبیعی، از روش‌ها و تکنیک‌های عینی برای مشاهده، شناخت و تبیین رفتارهای اجتماعی استفاده می‌کنند. (ایمان، ۱۳۸۸، ۷۴-۷۳) اثبات‌گرایی در حقیقت روشی سازمان‌یافته برای ترکیب منطق قیاسی با مشاهدات دقیق رفتارهای فردی جهت کشف و تأیید مجموعه‌ای از قوانین اجتماعی است و در صدد پیش‌بینی رفتار اجتماعی انسان است. (مونتی^۲، ۲۰۰۲: ۳۸) آزمایش، پیمایش^۳، مشاهده غیر مشارکتی و تحلیل محتوای کمی، از روش‌های تحقیق عمده در این رویکرد هستند. علوم اجتماعی اثبات‌گرا، علم و غیر علم را از هم تفکیک می‌کند؛ علم فرایند عینی، منظم، به دور از پیش‌داوری و مورد توافق دانشمندان است. شیوه‌های دیگر برای کسب معرفت؛ نامعتبر، غیر منطقی و سرشار از سوگیری‌اند. علم به روش قیاسی به دست می‌آید، متکی بر تجربه حسی

1. Positivism
2. Monette
3. Survey

است و فارغ از ارزش هاست. (ایمان، ۱۳۸۸، ۸۷-۸۹)

علی‌رغم عمومیت و غلبه دیدگاه اثبات‌گرایی برای چندین دهه، این دیدگاه در معرض انتقادهای شدیدی نیز بوده است. برخی از این انتقادهای ناشی از مطالعات تجربی پدیده‌های اجتماعی به وسیله دانشمندان علوم اجتماعی است که نشان می‌دهد، آنچه پژوهشگران واقعاً انجام می‌دهند، کاملاً متفاوت از گفته‌ها و پیش‌فرض‌های پارادایم اثبات‌گرایی در رابطه با چینی علم است. (چالمرز، ۱۳۷۹) به علاوه، پژوهشگران کمی و اثبات‌گرا بیشتر از مسیرهای خطی پیروی می‌کنند؛ مسیر خطی که شبیه پلکانی است که مراحل مشخصی دارد و به جهت مشخصی منتهی می‌شود، یک شیوه اندیشیدن و نگاه به مسائل است، اما به هیچ‌رو نمی‌توان آن را تنها شیوه علمی تلقی نمود. (کارنو، ۲۰۰۲) رویکردهای کمی در پژوهش‌های اجتماعی، بر آزمون فرضیه‌های منتج از نظریه‌های موجود متمرکزند و از این‌رو به‌ندرت به مفهوم‌سازی و ارائه نظریه‌ای جدید، با توجه به شرایط خاص جوامع، منجر می‌شوند. محدود نمودن واقعیت به ابعاد قابل سنجش و نادیده گرفتن معانی کنش‌ها و عاملیت انسان، از دیگر اشکالات وارد بر این رویکرد است.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۴۱

درآمدی به
روش‌شناسی تلفیقی...

تفسیر‌گرایی و روش‌های کیفی

از دیدگاه تفسیر‌گرایان، واقعیت جدا از آگاهی انسان نیست، بلکه متشکل از عناصر ذهنی و ناشی از معنی‌سازی و مبادله معانی فرهنگی در فرایند کنش‌های متقابل روزمره است. بنابراین، واقعیت اجتماعی آن‌گونه تعریف می‌شود که کنشگران اجتماعی آن را درک و تفسیر می‌کنند. علوم اجتماعی تفسیری به‌جای تمرکز بر مشاهده تجربی رفتار انسان، به معانی کنش‌ها توجه دارد و دستیابی به این معانی را به‌جز از طریق تعامل خلاق پژوهشگر با مورد‌های مطالعاتی امکان‌پذیر نمی‌داند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲) اندیشمندان اجتماعی تفسیر‌گرا، ماهیت علم را به شیوه‌ای متمایز از اثبات‌گرایی توضیح می‌دهند. از دیدگاه تفسیری، علم روشی استقرایی دارد، صرفاً از طریق حواس به دست نمی‌آید و خالی از ارزش‌ها نیست. در تفسیر‌گرایی، دانش عامیانه با برچسب غیر علمی کنار نهاده نمی‌شود، بلکه ابزار سودمندی برای تبیین رخداد‌های زندگی روزمره و درک آن معانی سرشار است که مردم به زندگی روزمره خود می‌دهند. به عبارتی دیگر، آن دسته از معانی که مردم در کنش‌های متقابل روزمره به کار می‌برند، در دانش عامیانه آنان نهفته است و درک دنیای آنها، جز از طریق درک دانش عامیانه، امکان‌پذیر نیست. (ایمان، ۱۳۸۸، ۹۳-۹۰)

1. Chalmers
2. Crano

تفسیر گرایان استدلال می‌کنند که رویکردهای اثبات‌گرایانه و کمی، بخش مهمی از تجربه انسان را مورد غفلت قرار می‌دهند. آنها معتقدند که مطالعه پیرامون انسان نمی‌تواند مبتنی بر مدل‌های علوم طبیعی باشد که برای شناخت پدیده‌های فیزیکی طراحی و توسعه یافته‌اند؛ زیرا فرهنگ، انسان را از پدیده‌های طبیعی متمایز می‌کند. پژوهش کیفی، غیر خطی و چرخشی^۱ است؛ یک مسیر پژوهشی غیر خطی به جای حرکت در یک خط مستقیم، حرکتی مارپیچی دارد و به آرامی رو به جلو می‌رود. (مونتی، ۲۰۰۲ و نیومن، ۲۰۰۱: ۱۲۵-۱۲۳) نظریه‌سازی داده‌بنیاد^۲، مشاهده مشارکتی، مصاحبه عمیق و تحلیل محتوای کیفی از روش‌های تحقیق مورد استفاده در این رویکرد هستند.

مقایسه روش‌های کمی و کیفی

برخی از روش‌شناسان، این دو رویکرد را در اصل متفاوت و متعارض با یکدیگر معرفی می‌کنند. این نگرش هم در بین پژوهشگران کمی و هم در بین پژوهشگران کیفی مشهود است. دیدگاه‌هایی که این دو رویکرد را متعارض و در تقابل باهم تصور می‌کنند، به پیش‌فرض‌های پارادایمی این رویکردها اشاره می‌کنند که بر اساس آن جای هیچ‌گونه همگونی بین دو رویکرد نیست. برخی از این پیش‌فرض‌های نسبتاً متضاد در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱. پیش‌فرض‌های پارادایمی روش‌های کمی و کیفی

روش‌های کمی	روش‌های کیفی
سنجش واقعیت‌های عینی	فهم معانی کنش‌ها
تاکید بر متغیرها	تاکید بر فرایندهای روزمره کنش‌ها
اصالت پایایی	اصالت اعتبار
فارغ از ارزش‌ها	متاثر از ارزش‌ها
مستقل از متن	در بند موقعیت
شامل موارد و موضوعات زیاد	شامل موارد و موضوعات کم
تحلیل آماری	تحلیل مضمونی

(نیومن، ۲۰۰۱: ۱۲۳)

گروه دیگری از روش‌شناسان پا را فراتر گذاشته و معتقدند که این دو رویکرد از خاستگاه یکسانی برخوردارند. در دیدگاه آنها، روش‌های کمی شکل ساده‌شده و تقلیل‌یافته‌ای از

1. Cyclical
2. Grounded Theory



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۴۲

دوره دوم
شماره ۴
پاییز ۱۳۸۹



روش‌های کیفی هستند و زمانی که روش‌شناسان کیفی، سادگی روابط بین پدیده‌ها را تشخیص دهند، می‌توان از این روش‌ها استفاده کرد. (ساعی، ۱۳۸۶) در هر صورت، رویکردهای کمی و کیفی دست‌کم در روش‌های گردآوری داده‌ها با هم متفاوت‌اند، اما الزاماً این تفاوت را نمی‌توان به حساب تعارض بنیادین آنها گذاشت.

ضرورت کثرت‌گرایی و تلفیق روش‌شناختی

هر دو پارادایم کمی و کیفی نقاط ضعفی دارند که، توسط یکدیگر قابل جبران هستند. بنابراین، استفاده مکمل از رویکردهای کمی و کیفی طیف وسیع‌تری از دیدگاه‌های روش‌شناختی را پیش رو می‌نهد، اعتبار کلی نتایج تحقیق را افزایش می‌دهد و پژوهشگر را به شناخت واقعیت نزدیک‌تر می‌سازد. (بريمن، ۲۰۰۶) از سوی دیگر، با توجه به وجود تنوع فرهنگی در کشورمان، استفاده از روش‌های چندگانه و تلفیقی در پژوهش‌های اجتماعی، رویکرد روش‌شناختی مناسب و اثربخشی به نظر می‌رسد.

پژوهش‌های میان‌رشته‌ای علوم اجتماعی از نظر روش‌شناختی کثرت‌گرا هستند و تلفیق روش‌های تحقیق در این نوع از مطالعات، یکی از چالش‌های نظری و روش‌شناختی پیش روی پژوهشگران است. با این حال، توسعه روزافزون حوزه‌های میان‌رشته‌ای می‌تواند ضمن پر کردن شکاف نظری میان رشته‌ها، به نوآوری‌های روش‌شناختی منجر شود. (هاچئون، ۱۳۸۸؛ آراسته، ۱۳۸۸) پوپر^۳ (۱۹۶۳، ۸۸) سخن نغزی در رابطه با ماهیت موضوعات میان‌رشته‌ای دارد: «ما دانشجویان رشته خاصی نیستیم، بلکه دانشجویان مسائل ایم و مسائل، مرزهای رشته‌ای را درمی‌نوردند.»

کثرت‌گرایی روش‌شناختی راه‌حل مؤثری برای رفع محدودیت‌های رویکردهای واحد در تحقیقات اجتماعی و شامل استفاده از مجموعه‌ای از روش‌های تحقیق، در حد ایده‌آل کمی و کیفی، است. تکنیک اصلی در کثرت‌گرایی روش‌شناختی، سه‌گانه‌سازی^۴ است. به نظر مک‌نیل^۵

1. Bryman
2. Hacheon
3. Poper

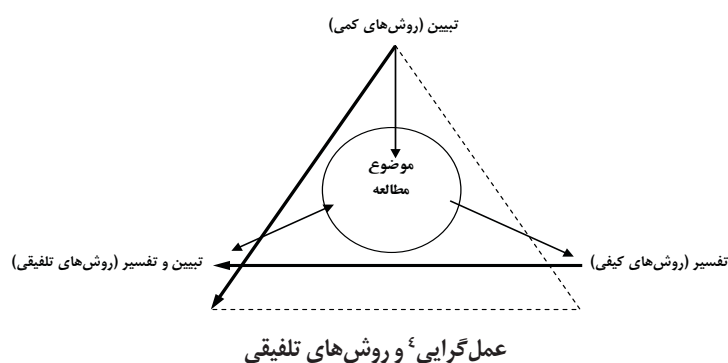
۴. Triangulation؛ این کلمه را وب (Webb) و همکارانشان وارد علوم اجتماعی کرده‌اند. خاستگاه آن دریانوردی و استراتژی‌های نظامی است. استفاد از منابع چندگانه به‌جای یک منبع، می‌توانست به دریانوردان کمک کند که موقعیت خود را دقیق‌تر مشخص کنند. در این واژه عدد سه استعاره از «دو و بیشتر» است. مثلث‌بندی، سه‌سویه‌بینی، سه‌سوسازی و چندبعدی کردن از دیگر معادل‌های فارسی آن هستند.

5. McNeil



و گرین^۱، سه‌گانه‌سازی، تکنیکی روش‌شناختی است که در آن با استفاده هدفمند از روش‌ها و نظریه‌های متعدد در مطالعه یک پدیده، سوگیری ناشی از دیدگاه‌های فردگرایانه به حداقل می‌رسد و اعتبار نتایج یافته‌های تحقیق افزایش می‌یابد. (چارتن^۲، ۲۰۰۲؛ گرین^۳، ۲۰۰۷) چهار نوع سه‌گانه‌سازی را می‌توان تشخیص داد:

- ۱) سه‌گانه‌سازی پژوهشگران که شامل استفاده از چند پژوهشگر در یک مطالعه است؛
 - ۲) سه‌گانه‌سازی روش‌شناختی که به معنی کاربرد روش‌های چندگانه برای مطالعه یک موضوع واحد است؛
 - ۳) سه‌گانه‌سازی داده‌ها که شامل استفاده از انواع مختلف منابع داده‌ای در یک مطالعه می‌شود؛
 - ۴) سه‌گانه‌سازی نظری که به معنی کاربرد دیدگاه‌های نظری چندگانه برای تفسیر مجموعه‌ای واحد از داده‌هاست. (تدلی و تشکری^۴، ۲۰۰۹: ۷۵)
- اگر اهداف روش‌های کمی، کیفی و تلفیقی را در ارتباط با موضوعات پژوهشی سه‌گانه‌سازی نماییم، شکل ۱ به دست می‌آید. تلفیق در واقع هر سه ضلع مثلث را شامل می‌شود:



شکل ۱. سه‌گانه‌سازی روش‌شناختی

روش تلفیقی مبتنی بر دیدگاه عمل‌گرایی است. در این دیدگاه که بر پیامدهای پژوهش معطوف است، به جای تأکید بر روش‌ها، تمرکز اصلی روی سؤال تحقیق است و از تمام رویکردهای موجود برای فهم مسئله استفاده می‌شود. این دیدگاه از به‌کارگیری هدفمند کثرت‌گرایی روش‌شناختی

1. Greene
2. Churton
3. ZTeddle & Tashakkori
4. Pragmatism



حمایت می‌کند و متعهد به یک چارچوب تجویز شده یا یک رویکرد واحد در شناخت واقعیت نیست. در عوض، به استفاده آزادانه از پیش‌فرض‌های کمی و کیفی و تلفیق روش‌ها و تکنیک‌های تحقیق پایبند است. برای پژوهشگران تلفیقی مهم این است که «چه» موضوعی را «چگونه» انجام دهند؛ آنها به مجموعه فعالیت‌هایی می‌اندیشند که انجام آنها برای شناخت مسئله و پاسخ به سوال‌های پژوهشی ضرورت خواهد داشت. (کرسول، ۲۰۰۹: ۱۱-۱۰)

عمل‌گرایی، انتخاب اجباری بین اثبات‌گرایی و تفسیرگرایی را رد می‌کند و قاعده «یا این و یا آن» را به «هم این و هم آن» تغییر می‌دهد. در این رویکرد، تقلیل‌گرایی مردود است و معرفت محصول تعامل واقعیت بیرونی با برساخته‌های ذهنی تلقی می‌شود. نظریه‌ها و روش‌ها ابزار پژوهش‌اند و معیار اصلی برای ارزیابی آنها، به‌کارآیی^۱ است. منطق اصلی عمل‌گرایی این است که تصورات ذهنی، پیامدهای کنشی را در پی دارند و فعالیت‌های پژوهشی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. (تشکری و تدلی، ۲۰۰۹: ۹۷-۸۷)

در جدول ۲ سه دیدگاه نظری در روش‌شناسی با هم مقایسه شده‌اند.

جدول ۲. مقایسه سه دیدگاه نظری در روش‌شناسی

عمل‌گرایی	تفسیرگرایی	اثبات‌گرایی	پارادایم ویژگی‌ها
شناخت پیامدهای کنش	فهم	تبیین	برون‌داد تحقیق
مسئله‌محوری	معناکاوی	علت‌کاوی	منطق روش‌شناختی
به‌کارآیی نظریه در عمل	نظریه‌سازی	نظریه‌آزمایی	ترجیحات نظری
قیاسی و استقرایی	استقرایی	قیاسی	شیوه استدلال
تلفیقی	کیفی	کمی	نوع روش‌ها
احتمالی و غیر احتمالی	غیر احتمالی	احتمالی	نمونه‌گیری
مضمونی و آماری	مضمونی	آماري	نوع تحلیل
بسیار زیاد	زیاد	نسبتاً کم	تنوع تکنیکی

(تدلی و تشکری، ۲۰۰۹؛ کرسول و پلانو کلارک^۲، ۲۰۰۷: ۳۰-۲۰)

1. Workability
2. Plano Clark

ماهیت رویکرد تلفیقی

تلفیق روش‌ها مبتنی بر این ایده است که می‌توان رویکردهای کمی و کیفی را در پژوهشی واحد برای یافتن پاسخ پرسش‌ها یا شناخت جنبه‌های مختلف یک مسئله مورد استفاده قرار داد. این رویکرد معتقد به برتری روش‌ها نسبت به یکدیگر نیست و تلفیق آنها را یک استراتژی سودمند برای شناخت ماهیت چندبعدی واقعیت می‌داند. از این‌رو، اختلاف مشاهده‌شده در انواع مختلف داده‌ها نمایانگر جنبه‌های مختلف یک پدیده اجتماعی است و یکی را می‌توان در پرتو دیگری تبیین کرد. آنچه که در سطح خرد اتفاق می‌افتد، با بررسی واقعیت در سطح کلان بهتر درک می‌شود و بالعکس. برای نمونه، ایروین^۱ در مورد مشکل نظری سازش بین مفاهیم عاملیت و ساختار در علوم اجتماعی، استدلال می‌کند که تحلیل مجموعه متفاوتی از داده‌ها می‌تواند به هم‌آوری شکاف میان تمایلات ذهنی و شرایط اجتماعی کمک کند. او استدلال می‌کند که آنچه پژوهشگران در مورد این دوگانگی می‌گویند، صرفاً از داده‌ها بر نمی‌خیزد، بلکه از نظریه نشأت می‌گیرد. بنابراین ما نیاز داریم روش‌های متعدد مرتبط با نظریه‌های مختلف را برای درک «انواع پدیده‌های اجتماعی» گرد هم آوریم. (ایروین، ۲۰۰۸)

روش تلفیقی یک رویکرد جدید برای پژوهش در محیط اجتماعی است که در حد مطلوب شامل بیش از یک شیوه دانستن و بیش از یک تکنیک برای جمع‌آوری، تحلیل و بازنمایی پدیده‌های اجتماعی است و هدف همه آنها فهم بهتر است. روش تلفیقی با روش چندگانه متفاوت است؛ به نظر بیزلی^۲، روش‌های چندگانه به حالتی گفته می‌شود که در آن رویکردها یا روش‌های متفاوت به صورت همزمان یا متوالی به کار گرفته شوند و تلفیق پس از رسیدن به استنباط‌های متفاوت صورت بگیرد، در حالی که در روش تلفیقی علاوه بر نتایج، روش‌ها و رویکردهای مختلف طراحی تحقیق، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها نیز در مراحل و سطوح مختلف یک برنامه واحد پژوهشی تلفیق می‌شوند. (جانسون^۳ و همکاران، ۲۰۰۷)

در پژوهش تلفیقی، پژوهشگر داده‌ها را جمع‌آوری و تحلیل می‌کند، یافته‌ها را تلفیق می‌کند و با استفاده از هر دو رویکرد کمی و کیفی در یک مطالعه، استنباط‌هایی را انجام می‌دهد. پژوهش‌های تلفیقی در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته و در نتیجه تلاش‌های زیادی برای فهم شیوه‌های تلفیق روش‌ها انجام شده است. (مانفرد^۴، ۲۰۰۹) تصمیم‌گیری در مورد تعداد و نوع روش‌ها

1. Irwin
2. Bazeley
3. Johnson
4. Manfred



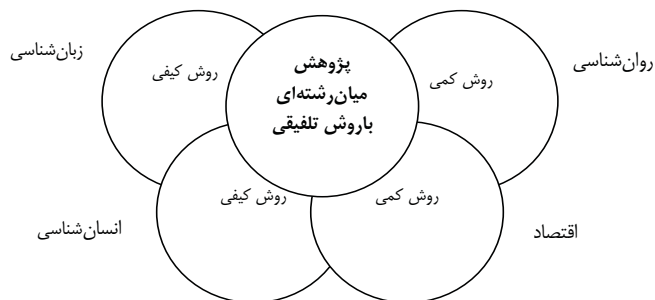
فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۴۶

دوره دوم
شماره ۴
پاییز ۱۳۸۹



جهت تلفیق در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، بستگی به این دارد که هر یک از رشته‌های نزدیک به موضوع مورد مطالعه چه رویکرد غالب روش‌شناختی داشته باشند. شکل ۲ تصویری مثالی است که محدوده تلفیق روش‌شناختی در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای بین چهار رشته روان‌شناسی، اقتصاد، انسان‌شناسی و زبان‌شناسی را مشخص می‌سازد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تلفیق می‌تواند بین دو یا چند رویکرد کمی، دو یا چند رویکرد کیفی و دو یا چند رویکرد کمی و کیفی انجام شود.



شکل ۲. محدوده تلفیق روش‌شناختی

استراتژی‌ها و رویه‌های پژوهش تلفیقی

در طراحی و اجرای پژوهش به روش تلفیقی، لازم است استراتژی پژوهش مشخص شود. استراتژی پژوهش، برنامه جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها بر اساس اهداف تحقیق است. در انتخاب استراتژی پژوهش‌های تلفیقی، ملاک‌های معینی در نظر گرفته می‌شوند. برایمن (۲۰۰۷، ۹۸) این ملاک‌ها را منتج از پاسخ به پرسش‌های ذیل می‌داند:

- ۱- جمع‌آوری اطلاعات کمی و کیفی از نظر زمانی چگونه است؟
 - ۲- چه تأکید پارادایمی در جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات کمی و کیفی وجود دارد؟
 - ۳- داده‌های کمی و کیفی در چه مرحله‌ای از پژوهش با یکدیگر تلفیق می‌شوند؟
 - ۴- آیا دیدگاه نظری خاصی در پژوهش مورد استفاده قرار خواهد گرفت؟
- پاسخ به پرسش‌های فوق به‌عنوان ملاک‌های تعیین استراتژی روش‌های تلفیقی در نظر گرفته می‌شود. منظور از بعد زمانی، جمع‌آوری اطلاعات کمی و کیفی به صورت هم‌زمان یا متوالی است. جمع‌آوری داده‌ها به صورت متوالی، می‌تواند شامل روش کمی و یا کیفی باشد. این امر بستگی به هدف پژوهشگر و دانش روش‌شناختی او دارد. ملاک دوم در انتخاب استراتژی روش‌های تلفیقی، تأکید پارادایمی است؛ بدین معنی که آیا پژوهشگر، بر حسب مسئله پژوهش، به یکی از رویکردهای کمی یا کیفی وزن بیشتری می‌دهد یا نه. هرکدام که وزن



بیشتری پیدا کند، اولویت تحلیلی می‌یابد و دیگری از یافته‌های آن رویکرد پشتیبانی می‌کند. زمان ترکیب داده‌های کمی و کیفی در روش‌های تلفیقی، ملاک دیگری در تعیین استراتژی پژوهش است که می‌تواند در مقاطع زمانی مختلف جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر یافته‌ها و یا مجموعه‌ای از این مراحل اتفاق بیفتد (کرسول و پلانوکلاک، ۲۰۰۷: ۷۴-۸۴). ملاک نهایی برای تعیین استراتژی پژوهش تلفیقی به دیدگاه نظری مربوط است. در اینجا باید مشخص کنیم که هدایت طرح پژوهش^۱ توسط کدام یک از دیدگاه‌های نظری اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی و یا عمل‌گرایی انجام می‌شود. در جدول ۳ استراتژی‌های مختلف پژوهش تلفیقی بر اساس دو عامل زمان و تأکید پارادایمی آمده است (فونت‌های بولد به معنی تأکید پارادایمی است).

جدول ۳. استراتژی‌های پژوهش تلفیقی بر اساس عامل زمان و تأکید پارادایمی

متوالی	همزمان	ترتیب زمانی	تأکید پارادایمی
کمی کیفی کیفی کمی	کیفی + کمی	خیر	
کمی کیفی کمی کیفی کیفی کمی	کیفی + کمی کمی + کیفی	بله	

(جانسون و آنگبوزی، ۲۰۰۴: ۲۲)

نمونه‌گیری در پژوهش تلفیقی

تدلی و تشکری (۱۸۶، ۲۰۰۹) سه رویکرد در نمونه‌گیری تلفیقی را تشخیص داده‌اند:

۱- نمونه‌گیری تلفیقی موازی: شامل انتخاب واحدهای تحلیل^۳ برای یک مطالعه تلفیقی از طریق کاربرد هر دو راهبرد احتمالی^۴ و غیر احتمالی (هدفمند) در یک زمان واحد است.

1. Research Design

2. Johnson & Onwuegbuzie

۳. واحد تحلیل واحد انتخابی در پژوهش است که نتایج تحقیق به آن نسبت داده می‌شود.
۴. در نمونه‌گیری احتمالی شانس انتخاب هر یک از اعضای جمعیت به‌عنوان عضو نمونه، مشخص و برابر است. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به سرایی، حسن (۱۳۷۲) مقدمه ای بر نمونه‌گیری در تحقیق، تهران: سمت.



در این نوع از نمونه‌گیری راهبردهای احتمالی و غیر احتمالی به کمک هم نمی‌آیند، بلکه صرفاً به شکل موازی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۲- نمونه‌گیری تلفیقی متوالی: شامل انتخاب واحدهای تحلیل برای یک مطالعه تلفیقی از طریق کاربرد متوالی نمونه‌گیری احتمالی و غیر احتمالی است. در پژوهش‌های تلفیقی متوالی، اطلاعات به‌دست‌آمده از نمونه‌گیری اول برای انجام نمونه‌گیری به روش دوم به کار می‌رود.

۳- نمونه‌گیری تلفیقی چندسطحی: یک استراتژی عمومی در نمونه‌گیری است که در آن تکنیک‌های نمونه‌گیری احتمالی و غیر احتمالی در سطوح مختلف تحلیل به کار می‌رود. این استراتژی تحقیق زمانی کاربرد دارد که در یک پژوهش واحدهای مختلف تحلیل به یکدیگر مرتبط شوند. (تدلی و تشکری، ۲۰۰۹: ۱۸۶)

نمونه پژوهش تلفیقی

حسینی و همکاران (۱۳۸۸) در رویکردی میان‌رشته‌ای و تلفیقی «موانع پژوهش از دیدگاه پژوهشگران و مدیران پژوهشی» را بررسی نموده‌اند. این پژوهش تلفیقی بدون تأکید پارادایمی و به صورت متوالی انجام شده است؛ ابتدا سی نفر از پژوهشگران برجسته رشته‌های مختلف علوم اجتماعی و انسانی، علوم پایه، فنی-مهندسی و علوم پزشکی به روش هدفمند انتخاب شده و داده‌های کیفی از طریق مصاحبه باز جمع‌آوری شده‌اند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های مصاحبه، پس از جرح و تعدیل بر اساس نتایج تحقیقات پیشین و ملاحظات نظری، در قالب پرسشنامه‌ای تنظیم و طی پیش‌آزمونی اصلاح شده است. در مرحله دوم، پیمایشی با حجم نمونه یکصد و هفتاد و پنج نفر اجرا شده است که اعضای آن به روش تصادفی طبقه‌ای وارد نمونه شده‌اند. خلاصه طرح تلفیقی این پژوهش در جدول ۴ منعکس شده است.

جدول ۴. طرح تلفیقی مورد استفاده در پژوهش

<input checked="" type="checkbox"/> کیفی: مصاحبه <input checked="" type="checkbox"/> کمی: پیمایش	روش‌های مورد استفاده
<input checked="" type="checkbox"/> متوالی (کیفی کمی) <input type="checkbox"/> همزمان	توزیع زمانی روش‌ها
<input checked="" type="checkbox"/> متوالی (هدفمند تصادفی) <input type="checkbox"/> همزمان	توزیع زمانی نمونه‌گیری
<input checked="" type="checkbox"/> خیر <input type="checkbox"/> بله	تأکید پارادایمی



در این پژوهش از تکنیک سه‌گانه‌سازی نظری و روش‌شناختی استفاده شده است. سه‌گانه‌سازی نظری شامل دیدگاه‌های جامعه‌شناسی علم، مدیریت دانش و اقتصاد تحقیق و توسعه و سه‌گانه‌سازی روش‌شناختی شامل روش‌های مصاحبه، پیمایش و اسنادی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که موانع پژوهش، به ترتیب میزان تاثیر گذاری، در سه گروه فرهنگی-اجتماعی، سازمانی و مالی-پشتیبانی جای می‌گیرند و هر یک از آنها نیز به دو زیرگروه عوامل درونی و بیرونی قابل تقسیم هستند. از یافته‌های مهم این پژوهش، متفاوت بودن ضریب تاثیرگذاری هر دسته از عوامل فوق در رشته‌های مختلف است؛ برای نمونه در حالی که در علوم پایه عوامل سازمانی مهم‌ترین موانع پژوهش هستند، در علوم پزشکی عوامل مالی-پشتیبانی مانع اساسی فعالیت‌های پژوهشی را تشکیل می‌دهند.

پژوهشگران این طرح ضمن ارایه راهکاری‌های عملیاتی به تفکیک موانع شناسایی شده، تأکید نموده‌اند که تسهیل فعالیت‌های پژوهشی و تسریع در تولید علم، مستلزم توجه همزمان به عوامل سه‌گانه مذکور در درون و بیرون از اجتماع علمی است. آنها همچنین استفاده از رویکرد تلفیقی در پژوهش‌های اجتماعی را با توجه به تنوع فرهنگی در جامعه ایران، مناسب تشخیص داده‌اند.

چالش‌های روش‌شناسی تلفیقی

مهم‌ترین چالش پیش روی روش‌شناسی تلفیقی، همان چالش پارادایمی است که پیشتر روش‌شناسی کیفی با آن مواجه بوده است. اگر نگرش پژوهشگران اجتماعی براساس رویکرد کمی یا کیفی تثبیت شده باشد، سخن گفتن از روش تلفیقی بی‌فایده خواهد بود. این مسئله در مورد پژوهش‌های میان‌رشته‌ای که مستلزم همکاری بین پژوهشگران با زمینه‌های متفاوت نظری و روش‌شناختی است، بسیار حادث‌تر خواهد شد. اگر پژوهشگری براساس یک گرایش خاص روش‌شناختی، رشته خود را علمی‌تر ببیند و به رشته‌های دیگر به دیده تحقیر بنگرد، توسعه پژوهش‌های تلفیقی در حوزه‌های میان‌رشته‌ای با مانع بزرگی مواجه خواهد شد (خورسندی، ۱۳۸۸) نبود معیارهای مشخصی برای تلفیق روش‌ها، پیچیدگی طرح‌های تحقیق تلفیقی، پیچیدگی تحلیل داده‌ها و مشکلات تصویب و کسب حمایت مالی، از دیگر چالش‌های پیش رو در توسعه پژوهش‌های تلفیقی است. (برایمن، ۲۰۰۷)

نتیجه‌گیری

علوم اجتماعی تاکنون دو پارادایم اثبات‌گرایی و تفسیرگرایی و به تبع آن روش‌شناسی کمی و



کیفی را پشت‌سر نهاده و در حال گذار از «واگرایی روش‌شناختی» به «همگرایی روش‌شناختی» است که از آن با عنوان پارادایم تلفیقی در روش‌شناسی یاد می‌شود. در این پارادایم، فرض اصلی بر این است که می‌توان از هر دو رویکرد کمی و کیفی برای ارائه تصویری متوازن از پدیده‌های اجتماعی استفاده کرد. توسعه علوم میان‌رشته‌ای مستلزم تلفیق بینش‌های روش‌شناختی و نظری است. از این رو، ماهیت پژوهش در موضوعات میان‌رشته‌ای اصولاً کثرت‌گرایانه و تلفیقی است. روش‌شناسی تلفیقی مبتنی بر دیدگاه عمل‌گرایی است. در این دیدگاه که به سرعت رشد می‌کند، سوالی که در تحقیق پرسیده می‌شود، مهم‌تر از روش تحقیق است. بر این اساس، پژوهشگران در استفاده از پیش‌فرض‌های کمی و کیفی در تحقیقات خود از آزادی عمل کامل برخوردارند و تشویق می‌شوند که در راستای پاسخ به سوال تحقیق، از روش‌ها و روال‌های چندگانه در جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها استفاده کنند. در سال‌های اخیر، تلاش‌های زیادی جهت توسعه شیوه‌های تلفیق انجام شده است، اما هنوز چالش‌های قابل توجهی پیش روی پژوهشگران است. مهم‌ترین چالش پیش روی روش‌شناسی تلفیقی، نگرش واگرا در بین پژوهشگران اجتماعی است که توسعه بینش تلفیقی را با مشکل مواجه می‌سازد. با این حال، رویکرد تلفیقی به تدریج راه خود را در پژوهش‌های اجتماعی باز و به‌عنوان یک رویکرد مستقل روش‌شناختی اعلام موجودیت می‌کند. از این رو می‌توان انتظار داشت که در بلندمدت، پس‌افتادگی روش‌شناختی در پژوهش‌های اجتماعی ایران به تدریج جبران شود و رویکرد «یا کمی و یا کیفی» جای خود را به رویکرد «هم کمی و هم کیفی» و استفاده گسترده از روش‌شناسی تلفیقی در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای علوم اجتماعی بدهد.

منابع

- آراسته، ح (۱۳۸۸) «میان‌رشته‌ای‌ها در آموزش عالی»، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۱(۲)، صص ۲۵-۴۰.
- ایمان، م.ت. (۱۳۸۸) *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جاودانی، ح، توفیقی، ج. (۱۳۸۸) «ساختارها، فرایندها و عوامل مؤثر بر توسعه میان‌رشته‌ای‌ها»، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۲(۱)، صص ۳۷-۵۶.
- چالمرز، آ.اف. (۱۳۷۹) *چیستی علم*، ترجمه سعید زیبا کلام، تهران: سمت.
- حافظ نیا، م.ز. (۱۳۸۲) *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سمت.
- حسنی، م.ح؛ حسنی، ح؛ صادقی، ع.ر؛ محمودی، ل؛ اسدی، ا. و بیانلو، ی. (۱۳۸۸). *بررسی موانع پژوهش در استان زنجان*. زنجان: معاونت برنامه‌ریزی استانداری زنجان.
- خرسندی، ع. (۱۳۸۸) «میان‌رشتگی و مسائل آن در آموزش عالی»، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۱(۲)، صص ۸۵-۱۰۱.
- ذکایی، م. س. (۱۳۸۷) «چالش‌های پژوهش کیفی در علوم اجتماعی ایران»، *رسانه*، ۱۹(۱)، صص ۱۱-۲۲.
- ساعی، ع. (۱۳۸۷) *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: سمت.
- سید امامی، ک. (۱۳۸۷) «پارادوکس‌های آموزش روش‌شناسی علم سیاست در ایران؛ برخی راهکارهای عمل‌گرایانه»، *دانش سیاسی* ۴(۱)، صص ۱۲۳-۱۵۲.
- قانع‌راد، م.ا. (۱۳۸۵) «وضعیت اجتماع علمی در رشته علوم اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، ۲۷، صص ۲۷-۵۷.
- کچوئیان، ح. و کریمی، ج. (۱۳۸۵) «پوزیتیویسم و جامعه‌شناسی در ایران»، *نامه علوم اجتماعی*، ۲۸، صص ۲۸-۵۵.
- لطف‌آبادی، ح؛ نوروزی، و. و حسینی، ن. (۱۳۸۶) «بررسی آموزش روش‌شناسی پژوهش در روانشناسی و علوم تربیتی ایران»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۲۱، صص ۱۰۹-۱۴۰.
- میر عابدینی، ا. (۱۳۸۸) «نقش ارتباطات در تحول و توسعه علوم میان‌رشته‌ای»، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی* ۱(۴)، صص ۱۹-۵۶.
- هاچئون، پ.د. (۱۳۸۷) «رویکرد میان‌رشته‌ای در پژوهش‌های علوم اجتماعی»، در علوی‌پور، س. م. *مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۵۲

دوره دوم
شماره ۴
پاییز ۱۳۸۹



- Bryman, A. (2006). Integrating quantitative and qualitative research: how is it done? *Qualitative Research* 6(1), pp.97-113.
- Bryman, A.(2007). Barriers to Integrating Quantitative and Qualitative Research. *Journal of Mixed Methods Research*. 1(1), pp. 8-22.
- Churton,M.(2000). *Theory and Method*. Hampshir: Macmillan.
- Crano, W., Marilyn B.(2002).*Principles and Methods of Social Research*. Mahwah: Lawrence Erlbaum.
- Creswell, J.W.(2009).*Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. Thousand Oaks: Sage.
- Creswell, J.W., Plano Clark, V.P. (2007). *Designing and Conducting Mixed Methods Research*. Thousand Oaks: Sage.
- Little, D. (1991)Varieties of Social Explanation: An Introduction to the Philosophy of Social Science.Westview Press
- Given, L.M.(ed)(2008)*The Sage encyclopedia of qualitative research methods*. Thousand Oaks: Sage.
- Greene, J.C.(2007). *Mixed Methods in Social Inquiry*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Irwin, S. (2008) 'Data analysis and interpretation: emergent issues in linking qualitative and quantitative evidence', in Hesse-Biber, S N and Leavy, P (eds) *Handbook of Emergent Methods*, New York: Guilford.
- Johnson, R.B. & Onwuegbuzie, A.J. (2004) Mixed Methods Research: A Research Paradigm Whose Time Has Come. *Educational Researcher*, 33(7), pp. 14-26.
- Johnson, R.B., Onwuegbuzie, A.J., Turner, L.A.(2007). Toward a Definition of Mixed Methods Research, *Journal of Mixed Methods Research*, 1(1), pp. 112 - 133.
- Manfred, M.B.(ed)(2009).*Advances in Mixed Methods Research*. London: Sage.
- Monette, D.R. , Sullivan, T.J.& Dejong, C.R.(2002).*Applied Social Research*. Wadworth: Thomson Learning.
- Newman, W.L. (2000) *Social Research Methods*. Boston: Allyn & Bacon
- Popper, K. R.(1963).*Conjectures and Refutations: The Growth of Scientific Knowledge*. New York: Routledge and Kegan Paul.
- Teddle, C., Tashakkori, A.(2009). *Foundations of Mixed Methods Research*. Thousand Oaks: Sage.